



مطالعه تأثیر مؤلفه های برنامه درسی پنهان بر ویژگی های غیرشناختی (نگرش عاطفی) یادگیری دانش آموزان دبیرستان های دولتی، غیر دولتی، نمونه دولتی و استعدادهای درخشان^۱ (سمپاد)

A Study of the Impact of the Hidden Curriculum Components on Non-Cognitive (Affective) Characteristics of Students in Different High Schools

Y.Raissi, A.Shaykhei fini (P.H.D), H.zain Alipour(P.H.D)

Abstract: The present study aimed to explore the impact of the hidden curriculum components on non-cognitive (affective) characteristics of learning of students in different high schools (public, non-public & exceptional talents high schools) to design better learning and educational environments. The research method is a mixed one by using a cross-sectional survey method in the quantitative way. In the cross-sectional method, the data were collected based on the hidden curriculum components through random sampling of high school students in 2019-2020 academic year. A case study (phenomenological research of lived experience type) and the interview were used in the qualitative way. The population of this study includes the tenth to twelfth-grade students in the different senior boys' high schools of Bandar Abas education office (first district) in the 2019-2020 academic year. In order to select the sample, eight-high schools consist of (three public, three non-public, one magnet & one exceptional talent or gifted high school) were selected by using a random sampling method. In the first phase, 277 students of the eight mentioned high schools who studied in the field of Mathematics & Sciences were surveyed and investigated for five months. Data collection tools included as follow: 1- Researcher-made questionnaire of the hidden curriculum components 2- Non-cognitive characteristics questionnaire (affective attitude) of Learning 3- Semi-structured standardized interview forms. Structural equation modeling, Pearson correlation coefficient and multiple regression analysis were used to analyze the data in the quantitative way. In the quantitative part, the results of multiple regression showed that there was a correlation between the components of the hidden curriculum with non-cognitive characteristics (affective attitude) of learning. Moreover, the results of the qualitative analysis of the interviews with students showed that the components of the hidden curriculum had a profound and lasting impact on their affective attitudes toward school, courses, and their academic self-concept.

Keywords: Affective Attitude To School; Academic self-concept, Hidden Curriculum Components, Non-cognitive Characteristics Of Learning

یعقوب رئیسی آهوان^۲، دکتر علی اکبر شیخی فیئی^۳، دکتر حسن زینلی پور^۴

چکیده: هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی و کشف تأثیرگذاری مؤلفه های برنامه درسی پنهان بر ویژگی های غیرشناختی (نگرش عاطفی) یادگیری دانش آموزان دبیرستان های دولتی، غیردولتی، نمونه دولتی و تیزهوشان (سمپاد) و ارائه راهکارهایی در جهت طراحی بهتر محیط های آموزشی انجام گرفت. روش پژوهش آمیخته یا ترکیبی است که در بخش کمی، از روش پیمایشی مقطعی و در بخش کیفی از روش پژوهش پدیدارشناختی از نوع تجربه زیسته استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش آموزان کلیه دبیرستان های دوره دوم متوسطه پسرانه ناحیه یک شهر بندرعباس در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ است که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده ۲۷۷ دانش آموز از هشت دبیرستان (سه دبیرستان دولتی، سه دبیرستان غیر دولتی، یک دبیرستان نمونه دولتی و یک دبیرستان تیزهوشان) انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل: ۱- پرسشنامه محقق ساخته مؤلفه های برنامه درسی پنهان ۲- پرسشنامه ویژگی های غیرشناختی (نگرش عاطفی) یادگیری ۳- فرم های مصاحبه های نیمه-ساختار یافته با روش سئوالات باز استاندارد شده بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها در بخش کمی از مدل سازی معادلات ساختاری، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند گانه استفاده شد. یافته ها نشان می دهد که بین مؤلفه های برنامه درسی پنهان با ویژگی های غیرشناختی (نگرش عاطفی) یادگیری همبستگی وجود دارد. همچنین میانگین نمرات اکثر مؤلفه ها در دبیرستان تیزهوشان به طور معنی داری بالاتر از میانگین نمرات دبیرستان های دولتی، غیردولتی و نمونه دولتی بود ($P < 0/05$). علاوه براین، نتایج تجزیه و تحلیل کیفی یافته های حاصل از مصاحبه با دانش آموزان در اکثر دبیرستان های مورد پژوهش نشان داد که مؤلفه های برنامه درسی پنهان تأثیر عمیق و پایدار بر نگرش عاطفی آنان نسبت به مدرسه، موضوعات درسی و خود پنداره تحصیلی آنها دارد. **واژگان کلیدی:** مؤلفه های برنامه درسی پنهان، نگرش عاطفی به مدرسه، ویژگی های غیرشناختی

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری و از نوع پژوهشی است. تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۷، تاریخ پذیرش:

۱۴۰۰/۰۶/۱۶

۲. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

yrhavan1343@gmail.com

۳. دانشیار برنامه ریزی درسی، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران. (نویسنده

مسئول) fini2013@hormozgan.ac.ir

۴. استادیار برنامه ریزی درسی، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

hzeinalipour@hormozgan.ac.ir

مقدمه و مسئله مورد بررسی

تعلیم و تربیت از مهم ترین و پیچیده ترین اموری است که نقش بسیار مؤثری در زندگی انسان دارد. امروزه آموزش و پرورش، نهاد اجتماعی مهمی است که مسئولیت عظیمی را در قبال تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان برعهده دارد (خنیفر، نادرسانی، فیاضی و رحمتی، ۱۳۹۹). مدرسه مهم ترین نهاد اجتماعی است که فرصت های آموزشی برابر را برای افراد فراهم می کند. دستیابی به چشم اندازی که جامعه ترسیم کرده است، بر عهده مدارس است و به و به یکی از اهداف مدرسه تبدیل شده است. تمام تجربه های مدرسه که برای تأمین اهداف جامعه ارائه می شود، برنامه درسی یک مدرسه را تشکیل می دهد. برنامه درسی از مهم ترین ابزارها و عناصر تحقق بخشی به اهداف و رسالت های آموزشی است از این رو تلاش می شود تا از طریق طراحی و تدوین برنامه درسی مشخص، انواع مختلف دانش و مهارت ها را به فراگیران انتقال داده، آن ها را برای بر عهده گرفتن نقش ها و مسئولیت هایشان در زندگی آماده سازد (فتحی واجارگاه، ۱۳۹۹).

آیزنر^۱ (۲۰۰۲) معتقد است مدارس به طور همزمان سه نوع برنامه درسی را تدوین می کنند. برنامه درسی صریح یا رسمی^۲، برنامه درسی پنهان یا ضمنی^۳ و برنامه درسی پوچ^۴ یا عقیم (مهرمحمدی، ۱۳۹۳). در دهه های اخیر، توجه فزاینده ای به یادگیری های دیگری، به غیر از آنچه در برنامه درسی قصد شده مدنظر بوده جلب شده است. برنامه ریزان درسی و مربیان آموزشی اذعان می دارند که در مدارس، بیشتر از هدف های از قبل مشخص شده یاد گرفته می شود و این یادگیری ها، علاوه بر یادگیری های عمدی و هدایت شده، بخش ضروری اجتناب ناپذیر فعالیت های مدرسه ای است به طوری که در مواردی ممکن است دوام این نوع یادگیری ها بیشتر از یادگیری های مربوط به برنامه درسی قصد شده باشد و این نوع برنامه ها اکثراً « برنامه درسی پنهان یا

^۱.Eisner

^۲. Explicit/formal curriculum

^۳. Hidden/implicit curriculum

^۴. Null curriculum

ضمنی» نامیده می شود. مفهوم برنامه درسی پنهان از یادگیریهای حکایت میکند که در چارچوب اجرای برنامه درسی تصریح شده و به دلیل حضور در بطن و متن فرهنگ حاکم بر نظام آموزشی، دانش آموزان تجربه میکنند. تجربه های یادگیری که بدین وسیله حاصل میشود عمدتاً در قالب مجموعه ای از انتظارات و ارزش ها تبلور می یابد (علیخانی و مهرمحمدی، ۱۳۸۴).

توجه به آثار برنامه درسی پنهان بر ویژگی های غیرشناختی (نگرش عاطفی) یادگیری دانش آموزان از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا این آثار هم در رشد شخصیت و هم در پیشرفت و عملکرد تحصیلی یادگیرندگان نقش بسیار مهمی ایفا می کند. معلمان مشاوران و روان شناسان تربیتی همواره شاهد این واقعیت بوده اند دانش آموزانی که از لحاظ توانایی سرآمد هستند اما در انجام تکالیف مدرسه چندان انگیزه و علاقه ای از خود نشان نمی دهند نسبت به کسانی که توانایی کمتری دارند ولی از انگیزه و علاقه سطح بالایی برای انجام تکالیف مدرسه برخوردارند کمتر موفق می شوند (سیف، ۱۳۷۴: ۸۰). همچنین پژوهش های متعدد تربیتی نشان داده اند که افزایش جنبه های مثبت انگیزه های غیرشناختی و عاطفی دانش آموزان به ویژه در رابطه با درس، تحصیل و مدرسه نه تنها بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی بلکه بر سلامت روانی آنان نیز تاثیر می گذارد (وانزر و همکاران، ۲۰۱۹؛ هاراکوویز و همکاران، ۲۰۱۶). به رغم آنکه مهم ترین عوامل اثرگذار بر ویژگی های غیرشناختی (نگرش عاطفی) یادگیری دانش آموزان از سنخ آموخته های غیر مدون، غیر مشهود و پیش بینی نشده است و اکثر صاحب نظران از جمله بلوم^۱ (۱۹۸۲)، آیزنر^۲ (۲۰۰۲)، لیوسی و لاسون^۳ (۲۰۰۸)، اسمیت و مونتگومتری^۴ (۲۰۰۸) گستردگی، پایداری و نفوذ این آموخته های به ظاهر خاموش، و پنهان را در شکل گیری فرایندها و فرآورده های یادگیری بیشتر از برنامه درسی آشکار می دانند، لیکن اکثر پژوهش ها، کتب و مطالعات انجام شده در قلمرو

1. Bloom

2. Eisner

3. Livevesey & Lawson

4. Smith & Montgomery

برنامه های درسی آشکار یا رسمی بوده و پژوهشی به مطالعه پیرامون تاثیر مؤلفه های برنامه درسی پنهان (ابعاد اجتماعی، شناختی و فیزیکی) بر نگرش غیرشناختی یادگیری دانش آموزان نپرداخته است، بنابراین ضرورت جستجو و تعمق در خصوص آثار این برنامه به عنوان کالبد شکافی یک جعبه سیاه آموزشی احساس می شود. مهم ترین ضرورت این پژوهش برای دست اندرکاران تعلیم و تربیت، سیاست گذاران، اصلاح گران، مدیران و معلمان دعوت به ژرف اندیشی در جریان تعلیم و تربیت و پرهیز از ساده پنداری و سطحی نگری است. در این ژرف اندیشی، باید از لایه های سطحی اتفاقاتی که در جریان تعلیم و تربیت و در کلاس های درس و مدرسه رخ می دهد عبور کرد و به عمق اثرات این اتفاقات بر ویژگی ها و نگرش عاطفی یادگیری واقعی دانش آموزان پی برد (قورچیان، ۱۳۷۸).

بلوم (۱۹۸۲) معتقد است آنچه که تعیین کننده بازده رفتارهای ورودی غیرشناختی یادگیری دانش آموزان برای یادگیری یک موضوع و انتخاب آن است، تصورات آنها از موفقیت ها یا شکست هایی است که در گذشته از موضوع های مشابه با موضوع تازه کسب کرده اند (سیف، ۱۳۷۴). اگر یادگیرندگان معتقد باشند که در گذشته تکالیف مشابهی را با موفقیت انجام داده اند، احتمالاً "با تکالیف بعدی نیز با نوعی عاطفه مثبت برخورد خواهند کرد. در مقابل اگر اعتقاد داشته باشند که در تکالیف مشابه گذشته با شکست مواجه شده اند، احتمالاً "با تکالیف بعدی نیز با نوعی عاطفه منفی روبرو خواهند شد. این عواطف مثبت و منفی بتدریج گسترش می یابند و تمام دروس آموزشی را شامل می شوند و انگیزه های عاطفی مربوط به آموزشگاه شکل می گیرد و سرانجام مفهوم خودپنداره تحصیلی دانش آموزان ایجاد می شود. تصورات دانش آموزان از موفقیت و شکست هایشان به تاثیر فرایندهای قضاوتی در مدرسه مربوط است. در طول ساعت های زیادی که در آن دانش آموزان در مدرسه حضور می یابند، کمتر ساعتی هست که در آن در رابطه با دیگر دانش آموزان مورد قضاوت معلمان، همسالان و اشخاص دیگر قرار نگیرند. به همین طریق، کمتر ساعتی هست که دانش آموزان در باره خودشان در رابطه با معیارهایی که توسط خودشان، معلمان،

مطالعه تأثیر مؤلفه های برنامه درسی پنهان بر... نویسنده اول: یعقوب رئیسی آهوان

همسالان و دیگران تعیین شده اند قضاوت نکنند. دانش آموزان در هیچ جای دیگر از زندگی شغلی خود، به اندازه مدرسه توسط دیگران و خودشان مورد قضاوت قرار نمی گیرند، هر یک از دانش آموزان روزانه چندین بار از نظر شایستگی با سایر افراد مدرسه و کلاس و گروه مقایسه می شوند. این فرایندهای قضاوتی در مدرسه جنبه ای از برنامه درسی نا آشکار یا برنامه درسی پنهان است که به طور ویژه ای تدریس می شود و دانش آموزان به طرق مختلف آن را می آموزند. این برنامه به دانش آموزان یاد می دهد که جای آنها در دنیای انسان ها، اندیشه ها و فعالیت ها کجاست (سیف، ۱۳۷۴).

به طور مثال آیزنر (۲۰۰۲) به ارزش گذاری های ترجیحی برای مواد و موضوعات درسی به عنوان یکی از جنبه های برنامه درسی پنهان اشاره می کند. مثلاً این که دانش آموزان، مواد درسی مانند هنر و تربیت بدنی را دارای ارزش و مرتبه دوم یا فاقد اهمیت در مقایسه با مواد و موضوعاتی مانند ریاضی و علوم تجربی ارزیابی کنند. ایجاد یا تقویت روحیه رقابت به جای رفاقت، همکاری و تشریک مساعی در سایه نظام ارزشیابی آموزش حاکم بر مدرسه، ایجاد و تقویت روحیه اطاعت و انقیاد به جای روحیه ابتکار و نوآوری در سایه روش های به کار گرفته شده تدریس از مصادیق و جنبه های برنامه درسی پنهان است (مهرمحمدی، ۱۳۹۳: ۶۳۷).

درحالی که تاکید آیزنر (۲۰۰۲) به ارزش گذاری های ترجیحی برای مواد و موضوعات مختلف درسی است، تاکید بلوم، (۱۹۸۲) به بُعد اجتماعی این برنامه و تعاملات میان اشخاص درون مدرسه است. والانس^۱ (۱۹۹۱) نیز مانند بلوم بخش موثری از تجارب تحصیلی را حاصل برنامه درسی پنهان می داند که به گونه ای آشکار در برنامه هدایت تحصیلی مراکز آموزشی وجود ندارد، ولی بخش موثر تجارب موفقیت آمیز و یا شکست آمیز دانش آموزان را شکل می دهد. هورن^۲ (۲۰۰۳) لیوسی و لاسون (۲۰۰۸) نیز همگام با والانس معتقدند بخش مهمی از فعالیت های تحصیلی دانش آموزان و فعالیت های آموزشی معلمان تحت تأثیر برنامه درسی پنهان است. این مفهوم

¹. Vallance

². Horn

ابعاد وسیعی را شامل می‌شود. حتی روشی که معلم رفتار دانش‌آموزانش را تفسیر می‌کند و انتظاراتی که بر اساس این تفسیر از رفتار آنها دارد، برنامه‌درسی پنهان است. این انتظارات و تفسیرها می‌تواند موجب موفقیت و یا حتی شکست دانش‌آموزان شود. اسمیت و مونتگومری (۲۰۰۸) نیز با لیوسی و لاسون، (۲۰۰۸) و هورن (۲۰۰۳) هم عقیده‌اند که اثرات نگرش‌ها، انتظارات، رفتارها و فعالیت‌های معلم بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به درس و مدرسه غیر قابل انکار است. نگرش‌ها، انتظارات و رفتارهای معلم پیام‌هایی را به دانش‌آموزان ارسال می‌کند که از سویی می‌تواند تکمیل‌کننده یا مخالف پیام‌های برنامه‌درسی رسمی عمل کند و از سوی دیگر موجب ایجاد خود‌پنداره تحصیلی مثبت یا منفی دانش‌آموزان شود.

آسبروکس^۱ (۲۰۱۰) بهترین جنبه برنامه‌درسی پنهان را در رشد عاطفی دانش‌آموزان می‌داند. او معتقد است علاوه بر رشد عاطفی، برنامه‌درسی پنهان مطلوب باید موجب پرورش تفکر انتقادی و حس کنجکاوی دانش‌آموزان شود و آنها بتوانند هویت واقعی خود را در این برنامه پیدا کنند. از پیامدهای مثبت برنامه‌درسی پنهان می‌توان به عادت‌های بهداشتی، علایق علمی و معنوی، ذوق هنری و زیبایی‌شناسی، اخلاق پسندیده، وظیفه‌شناسی، احترام به انسانیت، رقابت سالم، همکاری و نوع دوستی، کنترل پرخاشگری، حضور به موقع در کلاس و اظهار علاقه به مواد درسی اشاره کرد (هاشمی و خودباشی، ۱۳۹۸) اما با وجود تأثیرگذاری عمیق نسبت به برنامه‌های درسی رسمی در حیطه ارزش‌ها و هنجارها بر یادگیرندگان، عمدتاً مورد تأیید نیروهای رسمی مدرسه نیست (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۹) و در مدارس ایران مورد غفلت قرار گرفته است (ایزدی، ۱۳۸۵). بنابراین، برنامه‌درسی پنهان را باید یکی از سرمایه‌های مفهومی رشته برنامه‌درسی به شمار آورد. طرح این مفهوم سبب شده است تا نگاه سطحی‌نگرانه نسبت به پدیده برنامه‌درسی کاهش یافته، پدیده مذکور نه صرفاً در بعد طراحی، بلکه در سطح اجرا نیز مدنظر قرار گرفته، پویایی‌های آن رصد شود (صفایی موحد، ۱۳۹۲).

³.Ausbrooks

در نظریه یادگیری آموزشگاهی بلوم (۱۹۸۲) سه متغیر در نظر گرفته شده اند که هر سه متغیر تحت تاثیر آثار برنامه درسی رسمی و برنامه درسی پنهان قرار دارند. اگر با ژرف اندیشی به آثار برنامه درسی (رسمی و پنهان) توجه شود، مدارس قادر خواهند بود به سمت یک نظام آموزشی خالی از اشتباه گام بردارند (سیف، ۱۳۷۴: ۱۶). این سه متغیر وابسته به هم که در این نظریه اهمیت اساسی دارند عبارتند از ۱- میزان تسلط دانش آموز بر پیش نیازهای مربوط به یادگیری مورد نظر (رفتارهای ورودی شناختی)^۱ ۲- میزان انگیزشی که دانش آموز برای یادگیری دارد یا می تواند داشته باشد (رفتارهای ورودی عاطفی)^۲ ۳- میزان تناسب روش آموزشی با شرایط و ویژگی های دانش آموز (کیفیت آموزش)^۳. متغیر اول رفتارهای ورودی شناختی به یادگیرهای پیشین دانش آموز که برای یادگیری تازه ضرورت دارند و به مثابه پیش نیاز محسوب می شود اشاره می کند. متغیر دوم، ویژگی های ورودی عاطفی و انگیزشی دانش آموز برای یادگیری مطالب، تکلیف یا تکالیف جدید است. متغیر سوم کیفیت آموزشی یعنی میزان مناسبت اشاره ها یا نشانه ها، تمرین ها و تقویت یادگیری با نیازهای یادگیرنده است (سیف، ۱۳۷۴: ۱۷). ایجاد تغییر در رفتارهای ورودی شناختی، عاطفی و کیفیت آموزش تعیین کننده ماهیت بازده های یادگیری است. این بازده های یادگیری عبارتند از سطح و نوع پیشرفت، سرعت یادگیری و ویژگی های عاطفی یادگیرنده در رابطه با یادگیری و شخص خودش. هر جا که ویژگی های ورودی دانش آموز و کیفیت آموزش در حد مطلوب باشد، تمام بازده های یادگیری در سطحی بالا یا مثبت خواهد بود و تفاوت اندکی در اندازه های بازده های یادگیری مشاهده خواهد شد (سیف، ۱۳۷۴: ۱۸).

موضوع پژوهش در باره رفتارهای ورودی عاطفی (نگرش عاطفی) یادگیری دانش آموزان است که بخشی از فرایند آموزش مدرسه ای است که با احساسات، ارزش ها، علائق، نگرش ها و قدردانی سروکار دارد و سه بخش نگرش عاطفی به موضوعات و

1. Cognitive entry characteristics

2. Affective entry characteristics

3. Qualitative instruction

کتاب های درسی^۱، نگرش به آموزشگاه^۲ و خودپنداره تحصیلی^۳ دانش آموزان را مورد مطالعه قرار می دهد (سیف، ۱۳۷۴: ۹۰). نگرش عاطفی مربوط به موضوع درسی، علاقه و انگیزش دانش آموز را نسبت به دروس خاص نشان می دهد و برآیندی از تاریخچه قبلی دانش آموز و تصور او از رابطه بین تکلیف جدید با مجموعه وسیع تری از هدف های آینده و مقاصد و انتظارات آینده است. نگرش عاطفی به مدرسه یک حالت یا میل عمومی مثبت یا منفی نسبت به مدرسه و یادگیری مدرسه ای است و در مجموع به کل جریان آموزشی، به اکثر موضوع های درسی، به کارکنان مدرسه و حتی به سایر دانش آموزان تعمیم داده می شود. خودپنداره تحصیلی شاخص تصور دانش آموز از خودش با پیشرفت سایر یادگیرندگان در کلاسی است که وی به آن تعلق دارد. مفهوم خودپنداره، بدون شک مبتنی بر برنامه درسی پنهان و بازخوردی است که دانش آموز در رابطه با تکالیف مدرسه از نمرات، آزمون ها، معلمان، والدین و همسالان خود دریافت می کند (سیف، ۱۳۷۴: ۹۵).

با توجه به آنچه گفته شد در اینجا به یافته های بعضی از پژوهش های مرتبط اشاره می شود. پژوهش دنسان و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد تاکید زیاد برنقاط ضعف شاگردان بدون در نظر گرفتن تفاوت های فردی از عوامل زمینه ساز عدم موفقیت تحصیلی آنان است که موجب کاهش نگرش مثبت عاطفی آنان در یادگیری می شود. تان فیونا و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش های خود به این نتیجه رسیدند که برنامه درسی پنهان به آموخته های دانش آموز از روابطش با سایر دانش آموزان، با معلم و سایر اولیای مدرسه و نیز جو کلی مدرسه اشاره می کند. این پژوهشگران نقش تعاملات اجتماعی و روان شناختی بین دانش آموزان و افراد درون آموزشگاه به ویژه دبیران را به عنوان یکی از ابعاد برنامه درسی پنهان مهم دانسته و معتقدند احساسات، عواطف، نگرش ها، ارزش ها و رفتار یادگیرنده از ویژگی هایی است که تحت تاثیر این نوع برنامه قرار میگیرند. مک کین (۲۰۱۹) در مطالعه ای بدین نتیجه رسید که هنگامها،

1. Subject-related affect

2. School-related affect

3. Academic self-concept

مطالعه تأثیر مؤلفه های برنامه درسی پنهان بر... نویسنده اول: یعقوب رئیسی آهوان

ارزش ها و انتظارات اجتماعی که به طور غیر مستقیم توسط شیوه های تدریس و ارزشیابی موسسات آموزشی منتقل می شود تأثیرات عمیق تری بر روی بازده های عاطفی یادگیری می گذارد. شینابه (۲۰۱۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که درگیری هیجانی و عاطفی با محتوای یادگیری از سایر تکنیک های یادگیری موثرتر است. پژوهشی بر روی ویژگی های عاطفی دانش آموزان دوره متوسطه توسط تالبرت (۲۰۱۷) انجام گرفت. هدف از این مطالعه بررسی اثرات آموزش با روش های شاگرد محوری و معلم محوری بر توانایی حل مسئله، روش های یادگیری، انگیزش یادگیری و ویژگی های عاطفی دانش آموزان در درس ریاضیات بود. نتایج یافته ها موارد زیر را نشان داد. گروه کنترل (آموزش به شیوه شاگرد محوری) در رشد توانایی حل مسئله، روش های یادگیری و انگیزش یادگیری تفاوت معنی داری را از گروه گواه (آموزش به شیوه معلم محوری) نشان داد. توانایی حل مسئله در دانش آموزان سال های بالاتر تحصیلی افزایش بیشتری نسبت به دانش آموزان سال های پایین تر تحصیلی داشت.

نتایج یافته های مقاله پژوهشی سازگار، اشرف و مطلب زاده (۱۳۹۹) با عنوان «بررسی دیدگاه مدرسان زبان انگلیسی نسبت به یادگیرهای قصد نشده (برنامه درسی پنهان) در مؤسسات آموزش زبان انگلیسی» نشان داد که از دیدگاه مدرسان زبان انگلیسی جو اجتماعی، ساختار سازمانی مؤسسات آموزشی زبان انگلیسی و تعاملات میان معلم و زبان آموزان در محیط کلاس می تواند به طور معنادار و تا حد زیادی به یادگیری قصد نشده (برنامه درسی پنهان) در فراگیران منجر شود. نوروز زاده (۱۳۸۵) در پژوهشی نشان داد مواد درسی، مثال های درج شده در کتاب ها، زبان به کار گرفته شده در کتاب ها، عکس ها و نمودارها می توانند اثرات آموزشی ضمنی و پنهان داشته و مصادیقی از برنامه درسی پنهان باشند و همچنین نظام و روش های ارزشیابی نیز می توانند پیامدهای ضمنی و پنهان را به همراه داشته، عادات و نگرش های خاصی را ایجاد کند. جانعلی پور، شارع پور و کشفی راد (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان «اثر برنامه درسی پنهان بر عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره دبیرستان» به بررسی آثار برنامه درسی پنهان بر نمرات پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و یادگیرهای عمیق و واقعی آنها

پرداخت. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسید که هدف کادر آموزشی بسیاری از مدارس مورد مشاهده به ویژه مدارس غیردولتی افزایش نمرات پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. بالا بودن نمرات پیشرفت تحصیلی اهمیت بیشتری از یادگیرهای عمیق و واقعی دانش آموزان دارد. در نتیجه بسیاری از دانش آموزان با محفوظات علمی و بدون یادگیرهای عمیق، واقعی و کاربردی به مقاطع بالاتر تحصیلی وارد می شوند. طالبی و شریفی (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان «برنامه درسی پنهان در زندگی دانش آموزی» با بررسی جو اجتماعی مدارس و فضای روانی حاکم بر آن به نوعی الگوی مقاومت همراه با تابعیت در دانش آموزان پی بردند. آنها نتیجه گرفتند که الگوی برنامه درسی پنهان در زندگی دانش آموزان بیشتر در سبک و فضای اجتماعی نمود یافته و کمتر جنبه اعتقادی و سیاسی دارد. نوروزی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین مولفه های برنامه درسی پنهان از جمله جو اجتماعی مدرسه، ساختار سازمانی، تعامل معلم و دانش آموز و ساختار فیزیکی مدرسه و کلاس درس و هویت ملی دانش آموزان رابطه وجود دارد. شکاری، رحیمی و غربا (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود پرورش فضائل اخلاقی دانش آموزان را نتیجه برنامه درسی پنهان و غیررسمی دانستند. امینی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود مبنی بر تأثیر برنامه درسی پنهان بر رفتار دانش آموزان در بُعد رفتاری نشان دادند که از دیدگاه معلمان مولفه های برنامه درسی پنهان از جمله جو اجتماعی و ساختار سازمانی در سطح قوی و مولفه کنش متقابل معلم و دانش آموز در سطح متوسط از نظر میزان توجه به تربیت شهروندی قرار دارند.

در این پژوهش مؤلفه های که به عنوان شاخص تشخیص مؤلفه های برنامه درسی پنهان در یادگیری نگرش عاطفی شاگردان به طور ناخودآگاه تأثیرگذار بودند و مورد نظر پژوهشگر واقع شدند در سه بُعد اجتماعی، شناختی و فیزیکی مورد تحقیق قرار گرفتند. در بُعد اجتماعی به تعاملات دبیران و کارکنان مدارس با دانش آموزان پرداخته شد. نوع رفتار معلمان با دانش آموزان نیز می تواند پیام های ضمنی (غیر پنهان) را به همراه داشته باشد. این پیام ها تأثیر شگرفی بر روابط بین دانش آموزان دارند. در بُعد شناختی به شیوه های تدریس و ارزشیابی دبیران و محتوای کتاب های

درسی پرداخته شد. از مصادیق برنامه درسی پنهان می توان به ارزش گذاری موضوعات و کتاب های درسی به دلیل جایگاه خاص و ویژه ای که این مواد درسی در برنامه هفتگی مدارس دارند اشاره کرد. بطور مثال، دانش آموزان مواد و موضوعات درسی مانند علوم تجربی و ریاضیات را دارای ارزش و مرتبه بالاتری در قیاس با موضوعات درسی نظیر تربیت بدنی و هنر ارزشیابی می کنند (مهرمحمدی، ۱۳۹۳). در بُعد فیزیکی به محیط و امکانات فیزیکی مدارس پرداخته شد. ساختار فیزیکی آموزشگاه و کلاس درس نیز می تواند ادراکات خاصی را در ذهن فراگیران ایجاد کند. اکثر صاحب نظران در حوزه ارتباطات معتقدند که آموزش و رفتارهای غیرکلامی بیش از سایر عوامل در انتقال پیام به دانش آموزان تأثیرگذار است. به طور مثال، کلاس های درس را به شکل مستطیل تصور کنید که صندلی های دانش آموزان در ردیف های مستقیم کاملاً محکم به زمین بسته شده اند و میز معلم در جلو و مرکز کلاس درس است. فلسفه آموزشی چنین ساختاری تأکید بر نظم و انضباط و جلب توجه است و این تصور را در دانش آموزان القاء می کند که آنان موجوداتی بدون دانش تحت کنترل شدید معلمی قرار دارند که تنها منبع یادگیری در کلاس است (تاوان سند، ۱۹۹۵).

در یک جمع بندی کلی، مروری بر پیشینه ادبیات برنامه درسی پنهان مشاهده شد علیرغم تحقیقات پژوهشی گسترده بین المللی در باره آثار برنامه درسی پنهان در مقاطع مختلف تحصیلی در خارج از کشور، منابع تحقیقی و تخصصی حوزه برنامه ریزی درسی حکایت از آن دارد که تاکنون تلاشی برای مستندسازی تأثیرات برنامه درسی پنهان بر نگرش عاطفی شاگردان دوره دوم دبیرستان های مختلف در داخل کشور انجام نگرفته است. بنا براین هدف اصلی این تحقیق تبیین اثرات مؤلفه های (ابعاد اجتماعی، شناختی و فیزیکی) برنامه درسی پنهان بر نگرش عاطفی فراگیران نسبت به مدرسه و موضوعات و کتاب های درسی و همچنین تاثیر آن بر خودپنداره تحصیلی آنان در دبیرستان های مختلف و در پایان ارائه راهکارهای در جهت کاهش و به حداقل رساندن آثار منفی آن و طراحی برنامه های درسی و آموزشی با کیفیت مطلوب تر در مدارس و آموزشگاه های کشور است.

روش انجام تحقیق

روش پژوهش حاضر را می توان از نوع پژوهش آمیخته یا ترکیبی دانست که پژوهشگر در بخش کمی روش تحقیق ابتدا از طریق نمونه گیری تصادفی ساده دانش آموزان مورد نیاز را انتخاب کرد و سپس برای گردآوری اطلاعات و داده ها از روش پیمایشی مقطعی استفاده کرد. پژوهشگر در بخش کیفی روش تحقیق برای گردآوری داده ها از روش واقعه نگاری پدیدار شناختی از نوع تجربه زیسته و همچنین از روش بررسی موردی که شامل مصاحبه های نیمه ساختاریافته باز و گفتگوهای غیر رسمی است استفاده کرد. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دبیرستان های مقطع دوم متوسطه پسرانه آموزش و پرورش شهرستان بندرعباس (ناحیه یک) در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ بوده است. برای انتخاب نمونه، با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده ۲۷۷ دانش آموز از هشت دبیرستان شامل سه دبیرستان دولتی (۱۳۸ دانش آموز)، سه دبیرستان غیر دولتی (۷۶ دانش آموز)، یک دبیرستان نمونه دولتی (۳۱ دانش آموز) و یک دبیرستان تیزهوشان (۳۲ دانش آموز) انتخاب شدند و پرسشنامه های برنامه درسی پنهان و نگرش عاطفی را تکمیل کردند تا اثرات متفاوت مؤلفه های برنامه درسی پنهان بر دانش آموزان عادی تا دانش آموزان تیزهوش و نخبه بهتر مشخص شود. همچنین با توجه به ماهیت پژوهشی مؤلفه های برنامه درسی پنهان که ایجاب می کند بیشتر از روش تحقیق کیفی استفاده شود، بنابراین از قبل قواعد تدوین شده ای وجود نداشت و انتخاب نمونه رابطه مستقیمی با قضاوت و تصمیم گیری پژوهشگر داشت. پاتون (۲۰۰۲) معتقد است که شیوه ایده ال نمونه گیری در تحقیق کیفی این است که تا رسیدن به مورد زائد (موردی که پس از آن اطلاعات جدیدی به دست نمی آید و به نوعی اطلاعات اشباع شده است) به انتخاب مورد ادامه دهیم (بازرگان، ۱۳۹۶). پژوهشگر در هر دبیرستان با دانش آموزان، دبیران و کارکنان مصاحبه و گفتگو می کرد تا به اطلاعات مورد نیاز دسترسی پیدا کند و گاهی این فرآیند زمان بر و نیاز به حوصله و دقت خاصی داشت که در نهایت محقق موفق شد با ۶۴ دانش آموز از هشت دبیرستان مصاحبه را به طور کامل انجام دهد.

مطالعه تأثیر مؤلفه های برنامه درسی پنهان بر... نویسنده اول: یعقوب رئیسی آهوان

پژوهشگر برای گردآوری داده ها و سنجش آن ها از ابزارهایی که با روش تحقیق و همچنین با ماهیت موضوع پژوهش تناسب و هماهنگی لازم را داشتند استفاده کرد که می توان به : الف- پرسشنامه محقق ساخته ویژگی های غیرشناختی (نگرش عاطفی) یادگیری دانش آموزان ب- پرسشنامه محقق ساخته مؤلفه های برنامه درسی پنهان ج- فرم های مصاحبه نیمه ساختاریافته با روش طرح سئوالات باز استاندارد شده و گفتگوهای غیر رسمی با دانش آموزان، دبیران، کارکنان و همچنین استفاده از روش واقعه نگاری برای ثبت تجربیات زیسته دانش آموزان اشاره کرد.

برای ساختن پرسشنامه های محقق ساخته از اصول نظری و ایده های صاحب نظران متخصص در رشته روان شناسی یادگیری و تربیتی و برنامه ریزی درسی که در دانشگاه های علامه طباطبائی (۷ نفر)، دانشگاه تهران (۵ نفر)، دانشگاه اصفهان (۶ نفر)، دانشگاه شیراز (۵ نفر) و دانشگاه هرمزگان (۶ نفر) کرسی استادی دارند استفاده شد. و سپس پرسشنامه های ساخته شده در سه نوبت متوالی به صورت مقدماتی اجرا شد، پس از هر نوبت اجرا ضریب روایی و پایایی پرسشنامه ها محاسبه شد تا برای اجرای نهائی آماده شوند .

پرسشنامه محقق ساخته نگرش عاطفی: این پرسشنامه دارای ۶۸ گویه بسته پاسخ با مقیاس پنج درجه ای لیکرت (خیلی زیاد نمره پنج تا خیلی کم نمره یک) است که در سه بعد نگرش عاطفی به کتاب ها و موضوعات درسی، آموزشگاه و مفهوم خودپنداره تحصیلی را می سنجد و با اقتباس از پرسشنامه های نگرش به مدرسه کوچ و سیگل (۲۰۰۳) که توسط مصرآبادی (۱۳۸۹) هنجاریابی شده است و همچنین پرسشنامه "کیفیت زندگی در مدرسه" انیلی و بورک (۱۹۹۲)، پرسشنامه تحصیلی هرمنس (۱۹۷۰) و پرسشنامه خودپنداره تحصیلی دلاور (۱۳۷۴) ساخته شده است. برای تعیین پایایی پرسشنامه محقق ساخته ویژگی های غیرشناختی (نگرش عاطفی) از روش ضریب آلفای کرونباخ با تأکید بر همسانی درونی استفاده شد و ضریب ۷۹ درصد به دست آمد. همچنین برای تعیین روایی محتوایی و صوری پرسشنامه از نظر و دیدگاه اساتید و

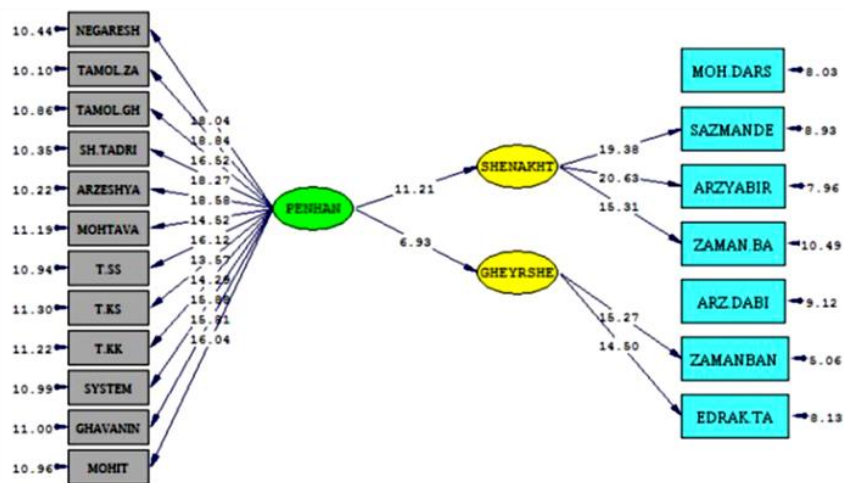
محققان رشته روان شناسی تربیتی و برنامه ریزی درسی دانشگاه های کشور که قبلا ذکر شد استفاده گردید و مورد تایید قرار گرفت.

پرسشنامه محقق ساخته برنامه درسی پنهان: این پرسشنامه دارای ۸۰ گویه بسته پاسخ با مقیاس پنج درجه ای لیکرت (خیلی زیاد نمره پنج تا خیلی کم نمره یک) است که مؤلفه های برنامه درسی پنهان را در سه بُعد اجتماعی، شناختی و فیزیکی می سنجد و با اقتباس از پرسشنامه های برنامه درسی پنهان فتحی و اجارگاه (۱۳۸۵) و پرسشنامه برنامه درسی شیخی (۱۳۸۸) ساخته شده است. ضریب آلفای کرونباخ با تأکید بر همسانی درونی استفاده شد و ضریب ۸۶ درصد به دست آمد. همچنین برای تعیین روایی محتوایی و صوری پرسشنامه از نظر و دیدگاه اساتید و محققان رشته روان شناسی تربیتی و برنامه ریزی درسی دانشگاه های کشور که قبلا ذکر شد استفاده گردید و مورد تایید قرار گرفت.

در پژوهش حاضر مهم ترین ابزار جمع آوری داده های کیفی مشاهده مستقیم کلاس های درس و مصاحبه با دانش آموزان بود که از طریق پژوهشگر که خود مدرس درس کارورزی معلمی در دانشگاه فرهنگیان با تجربه سی و سه سال تدریس کارورزی معلمان، حضور در مدارس باحتمال پذیر بود که این فرایند طی پنج ماه در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ انجام پذیرفت.

یافته های کمی پژوهش

به منظور بررسی تاثیر مؤلفه های برنامه درسی پنهان بر ویژگی های غیرشناختی (عاطفی) یادگیری از تحلیل معادلات ساختاری استفاده گردید. مدل بررسی شده به همراه شاخص های مربوط به برازش مدل در ادامه ارائه شده است. برای تعیین پایایی پرسشنامه محقق ساخته مؤلفه های برنامه درسی پنهان از روش ضریب آلفای کرونباخ با تاکید بر همسانی درونی استفاده شد و ضریب



Chi-Square=357.34, df=150, P-value=0.00000, RMSEA=0.069

شکل ۱. ضرایب معنی داری مدل مربوط به تأثیر مولفه های برنامه درسی پنهان بر ویژگی های غیرشناختی (عاطفی) یادگیری

در شکل ۱ ضرایب معنی داری مدل مربوط به تأثیر مولفه های برنامه درسی پنهان بر ویژگی های غیرشناختی (عاطفی) یادگیری نشان داده شده است. بر اساس نتایج بدست آمده تمامی ضرایب مربوط به بارهای عاملی مدل های اندازه گیری بزرگتر از ۲/۵۸ بوده و در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است ($P < 0/01$).

شاخص های مربوط به برازش مدل در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص های برازش مدل

شاخص برازش	دامنه مورد قبول	مقدار مشاهده شده	ارزیابی شاخص برازش
χ^2/df	≤ 3	۲/۳۸	مناسب
IFI	$> 0/9$	۰/۹۷	مناسب
RFI	$> 0/9$	۰/۹۵	مناسب
RMSEA	$< 0/08$	۰/۰۶۹	مناسب
SRMR	$< 0/08$	۰/۰۶۳	مناسب
CFI	$> 0/9$	۰/۹۷	مناسب
NFI	$> 0/9$	۰/۹۶	مناسب

به منظور بررسی تاثیر مولفه‌های برنامه درسی پنهان بر نگرش عاطفی یادگیری از تحلیل معادلات ساختاری استفاده گردید. بر اساس نتایج بدست آمده از ضرایب مربوط به بارهای عاملی مدل های اندازه گیری بزرگتر از ۲/۵۸ بوده و در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است ($P < 0/01$). مدل بررسی شده به همراه شاخص‌های مربوط به برازش مدل شاخص نسبت مجذور کای بر درجه آزادی (χ^2/df) برازش مدل را تایید می کند χ^2/df که این عدد کمتر از ۳ است و به معنی برازش مدل با داده هاست. خطای ریشه مجذور میانگین تقریبی (RMSEA) برابر ۰/۰۶۹ و ریشه دوم میانگین مربعات باقی مانده (SRMR) برابر با ۰/۰۶۳ است که از میزان ملاک (۰/۰۸) کوچکتر است و در نتیجه برازش مدل را تایید می کند. و در نهایت شاخص های NFI ، CFI ، IFI و RFI نیز از ملاک مورد نظر (۰/۹) بزرگتر هستند. در مجموع و با در نظر گرفتن مجموع شاخص های برازش محاسبه شده برازش مدل ساختاری مورد تأیید قرار می گیرد.

۱- آیا بین مؤلفه‌های (ابعاد اجتماعی، شناختی و فیزیکی) برنامه درسی پنهان دانش‌آموزان مدارس مختلف تفاوت وجود دارد؟

به منظور مقایسه مولفه‌های برنامه درسی پنهان دانش‌آموزان مدارس مختلف، از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده شد. نتایج مربوط به اجرای این آزمون به همراه بررسی پیش فرض‌های آن در ادامه ارائه شده است.

جدول ۲: توصیف آماری نمرات مولفه‌های برنامه درسی پنهان به تفکیک مدارس

شاخص آماری	دولتی		غیردولتی		نمونه		استعداد درخشان	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
تعامل معلم با دانش‌آموزان	۵۱/۶۹	۹/۱۶۱	۶۶/۱۸	۹/۹۲۶	۶۱/۵۲	۹/۵۴۲	۷۵/۳۴	۱۲/۷۷۵
تعامل کارکنان مدرسه با دانش‌آموزان	۲۱/۴۳	۴/۷۶۱	۲۱/۷۵	۴/۸۲۸	۲۲/۳۵	۴/۸۸۹	۲۳/۷۲	۴/۱۲۹
محتوای کتاب های	۲۲/۲۲	۴/۳۵۹	۲۳/۴۹	۴/۴۷۴	۲۱/۵۸	۴/۲۴۲	۲۵/۳۴	۴/۴۹۱

استعداد درخشان		نمونه		غیردولتی		دولتی		شاخص آماری
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
								درسی
۹/۹۵۵	۷۸/۰۰	۹/۳۵۰	۷۲/۶۸	۸/۹۷۷	۶۲/۲۱	۸/۲۲۹	۵۵/۴۸	شیوه تدریس و ارزشیابی معلم
۱۲/۸۸۱	۷۰/۸۸	۱۲/۸۷۱	۶۶/۴۸	۱۲/۱۴۳	۷۰/۹۳	۸/۰۳۴	۵۵/۱۵	میحط و امکانات فیزیکی مدرسه

در جدول ۲ توصیف آماری نمرات مربوط به میانگین و انحراف معیار مولفه‌های برنامه درسی پنهان به تفکیک برای دانش‌آموزان مدارس دولتی، غیردولتی نمونه و مدارس استعداد‌های درخشان ارائه داده شده است.

جدول ۳: نتیجه آزمون همسانی ماتریس کوواریانس‌ها (باکس)

سطح معناداری	df2	df1	F	Box's M
۰/۱۵۱	۳۲۴۰/۱/۸۵۳	۲۳۴	۱/۰۲۷	۳۹/۷۹۳

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌گردد، سطح معنی‌داری آزمون باکس برابر با ۰/۱۵۱ می‌باشد. از آنجایی که این مقدار، بزرگتر از سطح معنی‌داری (۰/۰۵) مورد نیاز برای رد فرض صفر می‌باشد، فرض صفر مبنی بر همسانی ماتریس کوواریانس‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد. بدین ترتیب فرض صفر آماری رد و مشخص می‌گردد که بین مولفه‌های برنامه درسی پنهان دانش‌آموزان مدارس مختلف، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

به منظور مقایسه تفاوت بین نمرات مولفه‌های برنامه درسی پنهان در دانش‌آموزان مدارس دولتی، غیردولتی، نمونه و مدارس استعداد‌های درخشان از آزمون تعقیبی بن‌فرونی استفاده شد. براساس نتایج بدست آمده میانگین نمرات تعامل معلم با دانش‌آموزان در مدارس غیردولتی و استعداد درخشان به طور معنی‌داری بالاتر از

میانگین نمرات در مدارس دولتی است ($P < 0/05$). میانگین نمرات شیوه تدریس و ارزشیابی معلم مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی به طور معنی‌داری بالاتر از میانگین نمرات مدارس دولتی است ($P < 0/05$). میانگین نمرات محیط فیزیکی مدرسه در مدارس غیردولتی و تیزهوشان به طور معنی‌داری بالاتر از میانگین نمرات مدارس دولتی و مدارس نمونه است ($P < 0/05$). سایر مقایسه‌های زوجی صورت گرفته نیز معنی‌داری نمی‌باشد ($p > 0/05$).

۲- آیا بین ویژگی‌های غیرشناختی یادگیری دانش‌آموزان دبیرستان‌های مختلف تفاوت وجود دارد؟

به منظور مقایسه ویژگی‌های غیرشناختی یادگیری دانش‌آموزان مدارس مختلف، از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده شد. نتایج مربوط به اجرای این آزمون به همراه بررسی پیش‌فرض‌های آن در ادامه ارائه شده است.

جدول ۴: توصیف آماری نمرات ویژگی‌های غیرشناختی یادگیری به تفکیک مدارس

شاخص آماری	دولتی		غیردولتی		نمونه		استعداد درخشان	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
نگرش فراگیران نسبت به کتاب‌های درسی	۵۷/۳۴	۱۶/۱۹۰	۶۵/۸۹	۱۵/۴۱۴	۶۳/۸۷	۱۵/۴۷۶	۶۷/۸۴	۱۸/۹۰۱
نگرش فراگیران نسبت به مدرسه	۵۶/۷۸	۱۲/۹۷۱	۶۲/۸۴	۱۴/۱۲۱	۶۶/۱۹	۱۴/۳۲۸	۶۸/۳۵	۱۶/۱۶۴
خودپنداره تحصیلی فراگیران	۶۳/۳۷	۱۴/۳۳۳	۶۷/۷۳	۱۴/۶۳۹	۶۹/۳۵	۱۵/۹۶۸	۷۱/۵۶	۱۶/۱۳۶

مطالعه تأثیر مؤلفه های برنامه درسی پنهان بر... نویسنده اول: یعقوب رئیسی آهوان

در جدول ۴ توصیف آماری نمرات مربوط به میانگین و انحراف معیار ویژگی های غیرشناختی یادگیری به تفکیک برای دانش آموزان مدارس دولتی، غیردولتی، نمونه و مدارس استعدادهای درخشان ارائه داده شده است.

جدول ۵: نتیجه آزمون همسانی ماتریس کوواریانس ها (باکس)

Box's M	F	df1	df2	سطح معناداری
۴۱/۱۹۱	۱/۳۱۹	۱۸	۴۶۷۹۰/۱۹۴	۰/۱۲۴

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می گردد، سطح معنی داری آزمون باکس برابر با ۰/۱۲۴ می باشد. از آنجایی که این مقدار، بزرگتر از سطح معنی داری (۰/۰۵) مورد نیاز برای رد فرض صفر می باشد، فرض صفر مبنی بر همسانی ماتریس کوواریانس ها مورد تایید قرار می گیرد. بدین ترتیب فرض صفر آماری رد و مشخص می گردد که بین ویژگی های غیرشناختی یادگیری دانش آموزان مدارس مختلف، تفاوت معنی داری وجود دارد.

به منظور مقایسه تفاوت بین نمرات ویژگی های غیرشناختی یادگیری در دانش آموزان دبیرستان های دولتی، غیردولتی، نمونه و استعدادهای درخشان، از آزمون تعقیبی بن فرونی استفاده شد. براساس نتایج بدست آمده میانگین نمرات نگرش فراگیران نسبت به کتاب های درسی دانش آموزان مدارس غیردولتی و تیزهوشان به طور معنی داری بالاتر از میانگین نمرات دانش آموزان مدارس دولتی و مدارس نمونه است ($P < 0/05$). همچنین میانگین نمرات خودپنداره تحصیلی فراگیران دانش آموزان دبیرستان تیزهوشان به طور معنی داری بالاتر از میانگین نمرات دانش آموزان مدارس دولتی، غیردولتی و نمونه دولتی است ($P < 0/05$). سایر مقایسه های زوجی صورت گرفته نیز معنی داری نمی باشد ($p > 0/05$).

۱- تأثیر مولفه های برنامه درسی پنهان بر « ویژگی های غیرشناختی (نگرش عاطفی) یادگیری» دانش آموزان چگونه است؟

جدول ۶: ضریب مسیر تاثیر برنامه درسی پنهان بر ویژگی‌های غیرشناختی یادگیری

سطح معنی‌داری	آماره t	ضریب استاندارد	مسیر	
۰/۰۱	۶/۹۳	۰/۴۵	ویژگی‌های غیرشناختی یادگیری	← مولفه‌های برنامه درسی پنهان

با توجه به نتایج جدول ۶ مقدار ضریب استاندارد برابر با ۰/۴۵ است و مقدار آماره آزمون بزرگتر از ۱/۹۶ می‌باشد. با توجه به کوچکتر بودن سطح معنی‌داری بدست آمده

از مقدار ۰/۰۱، فرض صفر رد و فرض پژوهش مبنی بر تاثیر برنامه درسی پنهان بر ویژگی‌های غیرشناختی یادگیری دانش‌آموزان مورد تایید قرار می‌گیرد.

۲- تاثیر مولفه‌های برنامه درسی پنهان بر نگرش فراگیران نسبت به کتاب‌های درسی چگونه است؟

به منظور بررسی تاثیر مولفه‌های برنامه درسی پنهان بر نگرش فراگیران نسبت به کتاب‌های درسی، از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج به دست آمده در ادامه ارائه شده است.

جدول ۷: خلاصه آماره‌های مربوط به برازش مدل

مدل	R	R مجذور	خطای استاندارد برآورد	آماره دوربین- واتسون
۱	۰/۴۶۸	۰/۲۱۹	۱۴/۸۰۰	۲/۰۷۳

در جدول ۷ خلاصه آماره‌های مربوط به برازش مدل نشان داده شده است. با توجه به نتایج جدول، ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته برابر با ۰/۴۶۸ می‌باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین (مجذور R) برابر با ۰/۲۱۹ می‌باشد که نشان دهنده میزان تبیین واریانس و تغییرات نگرش فراگیران نسبت به کتاب‌های درسی توسط مولفه‌های برنامه درسی پنهان می‌باشد. برای بررسی استقلال باقی مانده‌ها از

مطالعه تأثیر مؤلفه های برنامه درسی پنهان بر... نویسنده اول: یعقوب رئیسی آهوان

آماره دوربین-واتسون استفاده شد. براساس نتایج جدول مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با $2/073$ است که با توجه به اینکه مقدار آن در فاصله $1/5$ تا $2/5$ قرار دارد می توان گفت پیش فرض استقلال باقی مانده ها رعایت شده است.

جدول ۸: نتایج آزمون تحلیل واریانس

سطح معنی داری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۰۰۱	۶/۱۷۵	۱۳۵/۵۲۹	۱۲	۱۶۲۳۰/۳۶۴	رگرسیون
		۲۱۹/۰۳۹	۲۶۴	۵۷۸۲۶/۳۳۲	باقیمانده
			۲۷۶	۷۴۰۵۶/۶۷۹	کل

در جدول ۸ نتایج آزمون تحلیل واریانس به منظور بررسی مدل رگرسیونی ارائه شده آورده شده است. بر اساس نتایج مندرج در جدول، مقدار F بدست آمده برابر با $6/175$ می باشد که در سطح آلفای کوچکتر از $0/01$ معنی دار است، که نشان می دهد مولفه های برنامه درسی پنهان می تواند تغییرات مربوط به نگرش فراگیران نسبت به کتاب های درسی را به خوبی تبیین نمایند و نشان دهنده مناسب بودن مدل رگرسیونی ارائه شده است. نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون چندگانه برای بررسی تاثیر مولفه های برنامه درسی پنهان بر نگرش فراگیران نسبت به کتاب های درسی بیان شده است. با توجه به اینکه مقدار آماره تحمل از مقدار برش $0/1$ بیشتر است و آماره تراکم عاملی (VIF) که از مقدار برش 10 کمتر است، نتیجه می شود که از مفروضه هم خطی، تخطی صورت نگرفته است. با توجه به مقدار آماره t بدست آمده بر اساس نتایج بدست آمده ضرایب رگرسیون مربوط به مولفه های روش تدریس و ارزشیابی معلم، محتوای کتاب های درسی، تعامل دبیران و کارکنان مدرسه با دانش آموزان و محیط فیزیکی مدرسه در سطح آلفای $0/05$ معنی دار است.

۳-تأثیر مولفه های برنامه درسی پنهان بر نگرش فراگیران نسبت به مدرسه چگونه است؟

به منظور بررسی تاثیر مولفه های برنامه درسی پنهان بر نگرش فراگیران نسبت به مدرسه، از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج به دست آمده در ادامه ارائه شده است.

جدول ۹: خلاصه آماره های مربوط به برازش مدل

مدل	R	R مجذور	خطای استاندارد برآورد	آماره دوربین- واتسون
۱	۰/۴۶۷	۰/۲۱۸	۱۴/۳۳۶	۱/۸۶۸

در جدول ۹ خلاصه آماره های مربوط به برازش مدل نشان داده شده است. با توجه به نتایج جدول، ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته برابر با ۰/۴۶۷ می باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین (مجذور R) برابر با ۰/۲۱۸ می باشد که نشان دهنده میزان تبیین واریانس و تغییرات نگرش فراگیران نسبت به مدرسه توسط مولفه های برنامه درسی پنهان می باشد. برای بررسی استقلال باقی مانده ها از آماره دوربین-واتسون استفاده شد. براساس نتایج جدول مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با ۱/۸۶۸ است که با توجه به اینکه مقدار آن در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد می توان گفت پیش فرض استقلال باقی مانده ها رعایت شده است.

جدول ۱۰: نتایج آزمون تحلیل واریانس

	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	
رگرسیون	۱۵۱۶۲/۸۶۹	۱۲	۱۲۶۳/۵۷۲	۶/۱۴۸	۰/۰۰۱
باقیمانده	۵۴۲۵۵/۷۲۳	۲۶۴	۲۰۵/۵۱۴		
کل	۶۹۴۱۸/۵۹۲	۲۷۶			

در جدول ۱۰ نتایج آزمون تحلیل واریانس به منظور بررسی مدل رگرسیونی ارائه شده آورده شده است. بر اساس نتایج مندرج در جدول، مقدار F بدست آمده برابر با ۶/۱۴۸ می باشد که در سطح آلفای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار است، که نشان می دهد

مطالعه تأثیر مؤلفه های برنامه درسی پنهان بر... نویسنده اول: یعقوب رئیسی آهوان

مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان می‌تواند تغییرات مربوط به نگرش فراگیران نسبت به مدرسه را به خوبی تبیین نمایند و نشان دهنده مناسب بودن مدل رگرسیونی ارائه شده است.

نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون چندگانه برای بررسی تأثیر مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان بر نگرش فراگیران نسبت به مدرسه، بیان شده است. با توجه به اینکه مقدار آماره تحمل از مقدار برش ۰/۱ بیشتر است و آماره تراکم عاملی (VIF) که از مقدار برش ۱۰ کمتر است، نتیجه می‌شود که از مفروضه هم خطی، تخطی صورت نگرفته است. با توجه به مقدار آماره t بدست آمده بر اساس نتایج بدست آمده ضرایب رگرسیون مربوط به مؤلفه‌های محتوای کتاب‌های درسی، تعامل دبیران و کارکنان مدرسه با دانش آموزان در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی دار است ($P < 0/05$). ضرایب رگرسیون مربوط به سایر مؤلفه ها معنی دار نمی باشد.

۴- تأثیر مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان بر خود ادراک تحصیلی فراگیران چگونه است؟

به منظور بررسی تأثیر مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان بر خود ادراک تحصیلی فراگیران، از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج بدست آمده در ادامه ارائه شده است.

جدول ۱۱: خلاصه آماره های مربوط به برازش مدل

مدل	R	R مجذور	خطای استاندارد برآورد	آماره دوربین- واتسون
۱	۰/۴۳۳	۰/۱۸۷	۱۳/۸۹۶	۱/۷۴۰

در جدول ۱۱ خلاصه آماره های مربوط به برازش مدل نشان داده شده است. با توجه به نتایج جدول، ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته برابر با ۰/۴۳۳ می باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین (مجذور R) برابر با ۰/۱۸۷ می باشد که نشان دهنده میزان تبیین واریانس و تغییرات خود ادراک تحصیلی فراگیران توسط مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان می باشد. برای بررسی استقلال باقی مانده ها از آماره دوربین-

واتسون استفاده شد. براساس نتایج جدول مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با $1/740$ است که با توجه به اینکه مقدار آن در فاصله $1/5$ تا $2/5$ قرار دارد می‌توان گفت پیش فرض استقلال باقی مانده‌ها رعایت شده است.

جدول ۱۲: نتایج آزمون تحلیل واریانس

سطح معنی داری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	
۰/۰۰۱	۵/۰۶۲	۹۷۷/۵۶۷	۱۲	۱۱۷۳۰/۸۰۳	رگرسیون
		۱۹۳/۱۰۶	۲۶۴	۵۰۹۸۰/۰۲۷	باقیمانده
			۲۷۶	۶۲۷۱۰/۸۳۰	کل

در جدول ۱۲ نتایج آزمون تحلیل واریانس به منظور بررسی مدل رگرسیونی ارائه شده آورده شده است. بر اساس نتایج مندرج در جدول، مقدار F بدست آمده برابر با $5/062$ می‌باشد که در سطح آلفای کوچکتر از $0/01$ معنی دار است، که نشان می‌دهد مولفه‌های برنامه درسی پنهان می‌تواند تغییرات مربوط به خود ادراک تحصیلی فراگیران را به خوبی تبیین نمایند و نشان دهنده مناسب بودن مدل رگرسیونی ارائه شده است. نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون چندگانه برای بررسی تاثیر مولفه‌های برنامه درسی پنهان بر خود ادراک تحصیلی فراگیران، بیان شده است. با توجه به اینکه مقدار آماره تحمل از مقدار برش $0/1$ بیشتر است و آماره تراکم عاملی (VIF) که از مقدار برش 10 کمتر است، نتیجه می‌شود که از مفروضه هم خطی، تخطی صورت نگرفته است. با توجه به مقدار آماره t بدست آمده بر اساس نتایج بدست آمده ضرایب رگرسیون مربوط به مولفه‌های محتوای کتاب‌های درسی مدرسه در سطح آلفای $0/05$ معنی دار است ($P < 0/05$). ضرایب رگرسیون مربوط به سایر مولفه‌ها معنی دار نمی‌باشد.

یافته های کیفی پژوهش

جدول ۱۳: یافته های کیفی پژوهش در دبیرستان های دولتی، غیردولتی، نمونه دولتی و تیزهوشان (سمپاد) (علامت * نشانه وضعیت مثبت و علامت - نشانه وضعیت منفی)

شاخص ها	دولتی کد (۱،۲،۳)	غیردولتی کد (۴،۵،۶)	نمونه دولتی کد (۷)	تیزهوشان کد (۸)
*تعاملات سازنده بین دانش آموزان و دبیران	-	*	*	*
*تعاملات دانش آموزان با یکدیگر	*	*	*	*
*ارتباط سازنده بین کادر اداری و دانش آموزان	-	*	*	*
*ساختار و محیط فیزیکی مدرسه	-	-	*	*
*سیستم آموزشی و محتوای کتاب های درسی	-	-	*	*
*سیستم ارزشیابی و روش تدریس دبیران	-	-	-	*

در تحلیل یافته های کیفی حاصل شده از محیط اجتماعی مدارس که شامل مؤلفه تعامل دبیران و کارکنان با شاگردان است و تبیین اثرات آن بر ویژگی های غیرشناختی (نگرش عاطفی) یادگیری دانش آموزان از دیدگاه های برخی از صاحب نظران و محققان مطرح در حوزه برنامه ریزی درسی، روانشناسی تربیتی و یادگیری به ویژه نظریه فرایندهای شناختی ژان پیاژه، نظریه بوم شناختی برون فن برنر، نظریه رشدی اریکسون، نظریه

انگیزشی مازلو و کتاب‌های تالیفی بلوم استفاده شد. پژوهشگر در دبیرستان‌های دولتی کد (۱،۲،۳) شاهد تعاملات غیرسازنده و جانبدارانه دبیران با دانش‌آموزان بود. در این دبیرستان‌ها محقق شاهد تبعیض آشکار دبیران در باره نحوه تعامل آنان با دانش‌آموزان بود، به طوری که بیشترین توجه و تعاملات سازنده و مثبت را با شاگردان درس خوان و زرنگ کلاس‌ها داشتند و از سوی دیگر کمترین تعاملات که بیشتر جنبه منفی و مخرب داشت معطوف به دانش‌آموزان تنبل و ضعیف کلاس‌ها بود. پژوهشگر در دبیرستان‌های دولتی کد (۱،۲،۳) پی به این واقعیت ناگوار برد که برخی از دبیران با بیماری‌های روحی و روانی دانش‌آموزان آشنایی کافی ندارند. برخی از شاگردان دچار اختلال نقص توجه و پیش‌فعالی بودند که محقق مواردی از آن را در کلاس‌های درس به عینه مشاهده کرد. داشتن انتظارات خارج از حد توان از این‌گونه شاگردان و بی‌توجهی به پیشرفت‌های تدریجی آنان از موانع ارتباطی در شکل‌گیری تعامل مثبت دبیران با شاگردان بود. چنین تعاملاتی باعث نگرش عاطفی منفی و دلسردی شاگردان نسبت به موضوعات درسی، و مدرسه و خود پنداره تحصیلی آنان می‌شود که بر خلاف توصیه‌ها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران روانشناسی رفتارگرایی، خبرپردازی و رویکردهای انگیزشی است. اگر چه پژوهشگر در دبیرستان‌های دولتی کد (۱،۲،۳) با تعاملات منفی دبیران و شاگردان در کلاس‌های درس روبرو بود، ولی در دبیرستان‌های تیزهوشان و نمونه دولتی کد (۷، ۸) با شکل متفاوتی از تعاملات سازنده و مثبت دبیران با شاگردان مواجه شد. ایجاد فضای مطلوب آموزشی توسط مسئولین آموزشگاه باعث ارتباطات دو سویه و متقابل بین دبیران و شاگردان شده بود که ساختاری علمی، دوستانه و حمایت‌کننده داشت. دبیران با بهره‌گیری از دیدگاه‌های پیازه، ویگوتسکی، و رویکردهای آموزشی یادگیرنده - محور این امکان را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کرد تا در بحث‌های کلاسی شرکت‌جسته و باعث تقویت و پرورش خود پنداره تحصیلی مثبت در آنان گردد. در این دبیرستان‌ها همگام با نظریات تراندیک و اسکینر، در روابط متقابل دبیران و شاگردان احترام و محبت دوسویه وجود داشت. دبیران در

مطالعه تأثیر مؤلفه های برنامه درسی پنهان بر... نویسنده اول: یعقوب رئیسی آهوان

دانش آموزان احساس شایستگی، کفایت و مهارت، شوق یادگیری و تجربه کردن را ایجاد می کردند.

نتایج یافته های بدست آمده توسط پژوهشگر با یافته های بومی، آنا سیلویا و همکاران (۲۰۲۰)، دنسان و همکاران (۲۰۲۰)، تان فیونا و همکاران (۲۰۱۹)، اوسل و همکاران (۲۰۰۹)، و نظریه های حاصل شده از کتب تالیفی بلوم (۱۹۸۲) همخوان بود. یافته های پژوهش دنسان و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد تاکید زیاد بر نقاط ضعف شاگردان بدون در نظر گرفتن تفاوت های فردی از عوامل زمینه ساز عدم موفقیت تحصیلی آنان است که موجب کاهش نگرش مثبت عاطفی آنان در یادگیری می شود. براساس نظریه های حاصل شده از کتب تالیفی بلوم، ارتباطات بین دبیران با شاگردان تأثیر شگرفی در رشد نگرش مثبت عاطفی یادگیری و خود ادراک تحصیلی آنان دارد.

در تحلیل یافته های کیفی حاصل شده از محیط شناختی مدارس شامل مولفه های محتوای کتاب های درسی و روش های تدریس و ارزشیابی دبیران در شکل گیری برنامه درسی پنهان و اثرات آن بر نگرش عاطفی یادگیری شاگردان از نظریه روان شناسی تربیتی و دیدگاه های صاحب نظران شناخته شده برنامه ریزی درسی استفاده شد. در تحلیل یافته های کیفی حاصل شده از محتوای کتاب های درسی در شکل گیری برنامه درسی پنهان و اثرات آن بر نگرش عاطفی یادگیری شاگردان از نظریه روان شناسی تربیتی و دیدگاه های صاحب نظران شناخته شده برنامه ریزی درسی همچون کلیتون (۲۰۱۹)، لودویگ و همکاران (۲۰۱۸)، اسمیت و مونگمری (۲۰۰۸)، آیزنر (۲۰۰۲) استفاده شد. پژوهشگر در دبیرستان های مورد مشاهده به ویژه در دبیرستان غیردولتی دانشگاه در باره کتاب های زبان انگلیسی که خود محقق مدرس آن است با شاگردان مصاحبه کرد. به نظر آنان محتوای کتاب های زبان انگلیسی هیچ جذابیتی برای آنان نداشته و بیشتر مطالب این کتاب ها کلیشه ای و غیرکاربردی است. نتایج یافته های حاصل شده توسط پژوهشگر با یافته های پژوهشی کلیتون (۲۰۱۹)، لودیگ و همکاران (۲۰۱۸)، و آیزنر (۲۰۰۲) همسو بود. کلیتون (۲۰۱۹)، در مطالعه پژوهشی خود نشان داد که محتوای کتاب های درسی باید کاربردی بوده و شاگردان را

برای حل مسائل و مشکلاتی که ممکن است در زندگی روزمره بدان دچار شوند آماده کند.

در تحلیل یافته های کیفی حاصل شده از روش های تدریس و شیوه های ارزشیابی دبیران در شکل گیری برنامه درسی پنهان و اثرات آن بر نگرش عاطفی یادگیری شاگردان از نظریه روان شناسی تربیتی و دیدگاه های صاحب نظران شناخته شده برنامه ریزی درسی همچون فاندن و همکاران (۲۰۲۰)، مولدر و همکاران (۲۰۱۹)، اسمیت و مونتگمری (۲۰۰۸)، آیزنر (۲۰۰۲) استفاده شد. پژوهشگر در اکثر دبیرستان های مورد پژوهش و در کلاس های درس مشاهده کرد که دبیران هنوز از روش های تدریس سنتی مثل روش سخنرانی و روش حفظ و تکرار مطالب درسی استفاده می کردند که موجب سلب فرصت مشارکت شاگردان در بحث های کلاسی و بیان آراء، نظرات و احساسات آنان می شد. در این میان پژوهشگر با دبیر ادبیات در دبیرستان تیزهوشان کد (۸) مواجه شد. وی از روش های یادگیرنده- محور و بحث گروهی در کلاس درس استفاده می کرد که موجب می شد شاگردان از طریق گفتگو عقاید و اندیشه های خود را با هم مبادله کنند و به حل مسائل پردازند. نتایج یافته های حاصل شده توسط پژوهشگر با یافته های پژوهشی فاندن و همکاران (۲۰۲۰)، مولدر و همکاران (۲۰۱۹)، همخوانی داشت. مولدر و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه پژوهشی خود نشان داد که برنامه درسی پنهان در قالب مجموعه ای از ارزش ها، هنجارها و انتظارات اجتماعی است که بطور ناخودآگاه از طریق روش های تدریس و شیوه های ارزشیابی مدرسان و ویژگی های مؤسسات آموزشی منتقل می شود.

در تحلیل یافته های کیفی حاصل شده از محیط فیزیکی و امکانات مدارس در شکل گیری برنامه درسی پنهان و اثرات آن بر نگرش عاطفی یادگیری شاگردان از نظریه روان شناسی تربیتی (دیدگاه جبر محیطی) و دیدگاه های صاحب نظران شناخته شده برنامه ریزی درسی همچون راجرز (۲۰۲۰)، کوپر و همکاران (۲۰۲۰)، بارتز (۲۰۱۸)، ریچی و همکاران (۲۰۰۹)، سانتراک (۲۰۰۸) و بنتهام (۲۰۰۶) استفاده شد. سوزان بنتهام (۲۰۰۶) در کتاب روان شناسی تربیتی معتقد است تاثیرات محیطی معلول جبر محیطی

مطالعه تأثیر مؤلفه های برنامه درسی پنهان بر... نویسنده اول: یعقوب رئیسی آهوان

است. پژوهشگر در طی مشاهدات چند ماهه خود به استثنای دبیرستان های تیزهوشان و نمونه دولتی که از امکانات عالی آموزشی نظیر مجهزترین آزمایشگاه ها، کارگاه ها، سالن اجتماعات، سایت بزرگ کامپیوتری و زمین های ورزشی بزرگ بهره مند بودند، ولی در سایر دبیرستان ها به ویژه دبیرستان های دولتی کد (۱،۲،۳) با وضعیت اسفناک امکانات فیزیکی این مدارس روبرو شد. این دبیرستان ها فاقد کتابخانه، آزمایشگاه، سالن اجتماعات و زمین ورزشی بودند. سرویس های بهداشتی دانش آموزان و کارکنان این دبیرستان ها در وضعیت مطلوبی نبود. شاگردان این دبیرستان ها طی مصاحبه ها و گفتگوهایی که با محقق داشتند بارها عدم رضایت خود را از مسئولین و کارکنان بدلیل امکانات ضعیف بیان داشتند. نتایج یافته های حاصل شده توسط پژوهشگر با یافته های پژوهشی راجرز (۲۰۲۰)، یانگ و همکاران (۲۰۱۷)، ریتچی و همکاران (۲۰۰۹). همسو بود. راجرز (۲۰۲۰) در مطالعات پژوهشی خود به این نتیجه رسید که امکانات فیزیکی مدارس نظیر شیوه چیدمان صندلی های کلاس، ویژگی های صوتی و صدا، نور و روشنایی، تزئین و طراحی فضای کلاس در رشد مهارت ها و توانمندیهای شاگردان تأثیرگذار است و فرصت یادگیری آنان را افزایش داده و نگرش عاطفی مثبتی را نسبت به مدرسه در آنان ایجاد می کند.

جمع بندی، بحث و نتیجه گیری

نتایج یافته های کمی مقایسه مؤلفه های برنامه درسی پنهان در دبیرستان های مختلف نشان داد که میانگین نمرات اکثر مؤلفه ها در دبیرستان تیزهوشان به طور معنی داری بالاتر از میانگین نمرات دبیرستان های دولتی، غیردولتی و نمونه دولتی بود ($P < 0/05$). بنابراین فرض صفر آماری در باره این خرده مقیاس ها رد و فرض پژوهش مبنی بر تأثیر برنامه درسی پنهان بر نگرش عاطفی یادگیری دانش آموزان مورد تأیید قرار می گیرد. در مجموع نگرش دانش آموزان به موضوعات و کتاب های درسی، نگرش به مدرسه و خودادراک تحصیلی آنان مثبت بود. یافته های کمی پژوهش نشان داد میانگین نمرات تعامل معلم با دانش آموزان در مدارس غیردولتی و استعداد درخشان به طور معنی داری بالاتر از میانگین نمرات در مدارس دولتی است ($P < 0/05$). میانگین

نمرات شیوه تدریس و ارزشیابی معلمان مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی به طور معنی داری بالاتر از میانگین نمرات مدارس دولتی است ($P < 0/05$). میانگین نمرات محیط فیزیکی مدرسه در مدارس غیردولتی و تیزهوشان به طور معنی داری بالاتر از میانگین نمرات مدارس دولتی و مدارس نمونه است ($P < 0/05$). براساس نتایج یافته های کمی بدست آمده میانگین نمرات نگرش فراگیران نسبت به کتاب های درسی دانش آموزان مدارس غیردولتی و تیزهوشان به طور معنی داری بالاتر از میانگین نمرات دانش آموزان مدارس دولتی و مدارس نمونه است ($P < 0/05$). همچنین میانگین نمرات خودپنداره تحصیلی فراگیران دانش آموزان دبیرستان تیزهوشان به طور معنی داری بالاتر از میانگین نمرات دانش آموزان مدارس دولتی، غیردولتی و نمونه دولتی است ($P < 0/05$).

نتایج یافته های کیفی پژوهش در باره تأثیر مؤلفه های اجتماعی (تعاملات دبیران و کارکنان) برنامه درسی پنهان حاکی از آن بود که در دبیرستان های دولتی کد (۱،۲،۳) تعاملات و رفتارهای دبیران و کارکنان این مدارس منفی و بر خلاف توصیه های روان شناسان تربیتی و نظریه های رفتارگرایی و رویکردهای انگیزشی بود. پژوهشگر شاهد اعمال سبک مدیریتی مستبدانه یا تحکم آمیز از جانب دبیران و مسئولین ذیربط بود. جو بسته و خفقان آور موجود در این دبیرستان ها حق هر گونه اظهارنظر، اعتراض، پیشنهاد و انتقادی را از شاگردان سلب کرده بود. این تعاملات از عوامل اثرگذار بر نگرش عاطفی دانش آموزان به موضوعات و کتاب های درسی و مدرسه است. نتایج یافته های این پژوهش با یافته های تان فیونا و همکاران (۲۰۱۹) همخوان بود. آنان در پژوهش های خود به این نتیجه رسیدند که رفتارها و تعاملات دبیران و کارکنان مدارس در ایجاد و حفظ شرایط مطلوب و یا نامطلوب کلاس نقش اصلی را ایفا می کند. ولی پژوهشگر در دبیرستان های غیردولتی کد (۴،۵،۶) و تیزهوشان و نمونه دولتی کد (۷،۸) شاهد تعامل سازنده دبیران و کارکنان با دانش آموزان بود. در این دبیرستان ها سبک مدیریتی بر مدار قانون -محوری و اقتدارگرایی بود. مشاهدات پژوهشگر در این دبیرستان ها حاکی از ارتباطات دوسویه کارکنان با شاگردان در چارچوب قوانین و

مطالعه تأثیر مؤلفه های برنامه درسی پنهان بر... نویسنده اول: یعقوب رئیسی آهوان

دستورالعمل های انضباطی بود. نتایج یافته های این قسمت پژوهشگر با یافته های پژوهش های موریس و همکاران (۲۰۲۰)، نودلمن (۲۰۲۰)، آورون سمپر (۲۰۱۸)، همسو بود. موریس و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در تعاملات دانش آموزان با کارکنان مدارس اگر آنان به طور مناسبی از طرف مدرسه مورد حمایت قرار گیرند در آنان تعهد به یادگیری بیشتر می شود

نتایج یافته های کیفی پژوهش در باره تأثیر مؤلفه های شناختی برنامه درسی پنهان مشخص کرد که محتوای کتاب ها و همچنین سایر موضوعات درسی ارتباط مستقیم و معنا داری با نگرش عاطفی شاگردان داشت. در دبیرستان های دولتی کد (۱،۲،۳) که شاگردان به محتوای کتاب ها و موضوعات درسی اشتیاق کمتری از خود نشان دادند، پژوهشگر شاهد نگرش منفی آنان نسبت به موضوعات و کتاب های درسی بود ولی در دبیرستان های نمونه دولتی و تیزهوشان کد (۷ و ۸) شاگردان نسبت به محتوای کتاب ها و موضوعات درسی نگرش مثبتی داشتند. نتایج یافته های این پژوهش با یافته های پژوهشی کلیتون (۲۰۱۹)، لودیگ و همکاران (۲۰۱۸) و اسمیت و موننگمری (۲۰۰۸) همسو بود. نتایج یافته های پژوهشی لودیگ و همکاران (۲۰۱۸) نشان داد که درگیر شدن عاطفی و هیجانی شاگردان با محتوای کتاب ها و موضوعات درسی یکی از مؤثرترین تکنیک های یادگیری است و زمانی عملکرد و پیشرفت تحصیلی شاگردان افزایش می یابد که آنان به محتوای کتاب ها و موضوعات درسی علاقه نشان دهند.

نتایج حاصل شده یافته های کیفی پژوهش در باره مؤلفه های شناختی (روش تدریس و ارزشیابی دبیران) مشخص کرد که روش های تدریس دبیران و همچنین شیوه ارزشیابی آنان در اکثر دبیرستان های مورد مطالعه از وضعیت مطلوبی برخوردار نبود. نتایج تحلیل نشان داد که روش های تدریس و شیوه ارزشیابی معلمان در دبیرستان تیزهوشان کد (۸) از همه مدارس مطلوب تر و در دبیرستان های دولتی کد (۱،۲،۳) ضعیف تر بود. در اکثر مدارس پژوهشگر شاهد تدریس دبیران به روش تدریس سنتی و حفظ و تکرار مطالب درسی بود. آنان در موقعیت های آموزشی بخصوص در کلاس های درس از نظریه ها و دستورالعمل های آموزشی صاحب نظران مطرح حوزه برنامه درسی و روان

شناسی تربیتی در تدریس و ارزشیابی دانش آموزان استفاده نمی‌کردند. نتایج یافته‌های پژوهش با یافته‌های فاندن و همکاران (۲۰۲۰)، مولدر و همکاران (۲۰۱۹) همخوان بود. فاندن و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود نشان دادند اگر روش تدریس مؤثر کتاب‌ها و موضوعات درسی منطبق بر موازین علمی روانشناسی یادگیری باشد نه تنها موجب یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می‌شود، بلکه در آنان نگرش مثبت تری نسبت به موضوعات و کتاب‌های درسی ایجاد می‌کند و باعث رشد خودادراک تحصیلی شاگردان می‌شود.

نتایج بدست آمده از تحلیل یافته‌های کیفی پژوهش در باره مؤلفه‌های فیزیکی برنامه درسی پنهان نشان داد به جزء دبیرستان‌های تیزهوشان و نمونه دولتی کدهای (۷ و ۸) در سایر دبیرستان‌ها کیفیت امکانات فیزیکی نامناسب و نامطلوب بود به طوری که بیشترین عدم رضایت شاگردان و دبیران را به همراه داشت. نتایج یافته‌ها حاکی از این است که در نگرش شاگردان به آموزشگاه اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار را باید تسهیلات و امکانات فیزیکی مدرسه در نظر گرفت، به طوری که تأثیرات آن بیشتر از محیط اجتماعی مدارس و تعاملات دبیران و کارکنان است. یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهشی راجرز (۲۰۲۰)، یانگ و همکاران (۲۰۱۷)، ریتچی و همکاران (۲۰۰۹). همسو بود. ریتچی و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود به نقش تسهیلات و امکانات و ساختار فیزیکی مدارس بر یادگیری و عواطف شاگردان پرداختند و نتایج تحقیق مشخص کرد که برخورداری مناسب مدارس از امکانات فیزیکی و تسهیلات موجب بروز احساسات و نگرش مثبت شاگردان نسبت به مدرسه و همچنین موضوعات و کتاب‌های درسی خواهد شد.

در مجموع یافته‌های پژوهش تأثیرگذاری مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان را بر نگرش عاطفی دانش آموزان نسبت به موضوعات و کتاب‌های درسی، مدرسه و همچنین خود پنداره تحصیلی آنان به تأیید رساند و وجود رابطه معنا دار بین آنان را نشان داد. با عنایت به نتایج بدست آمده می‌توان راهکارهایی در جهت کاهش و به حداقل رساندن تأثیرات سوء و منفی برنامه درسی پنهان و طراحی برنامه‌های درسی و آموزشی با

کیفیتی مطلوب تر اقدام کرد. بر اساس نتایج یافته های پژوهش محورهایی که در ایجاد برنامه درسی پنهان در شیوه های روش تدریس و ارزشیابی دبیران نقش داشته و منجر به آثار سوء و ضد تربیتی شده می توان به نقش به روز نبودن دبیران از نظر علمی به علت چند شغله بودن اشاره کرد که باعث شده انگیزه لازم را در برقراری ارتباط مستمر با شاگردان نداشته باشند و نوع نگاه آنان به دانش آموزان به جای جوینده علم و دانش فقط به آموزنده دانش معطوف شود و این طرز فکر غالب و نگاه عاطفی در آنان شکل گرفته که با دادن و اعطای نمره می خواهند مشکل دانش آموز را حل کنند، بدین منظور پیشنهاد می شود با اتخاذ شیوه های جهت تغییر نگرش و ارتقای سطح دانش و مهارت حرفه ای دبیران به آنان کمک شود تا خود را فقط انتقال دهنده صرف دانش و مطالب کتاب های درسی تصور نکنند بلکه آن ها نقشی فراگیرتر به عنوان یک تسهیل گر و راهنما دارند که به نیازهای مخاطبان و دانش آموزان پاسخ می دهند. نتایج یافته های پژوهش در باره محتوا و سازمان دهی کتاب های درسی نشان از به روز نبودن محتوا و عدم همخوانی با نیازهای واقعی دانش آموزان و عدم ارتباطات افقی و عمودی مطالب و موضوعات درسی دارد. حجم محتوای کتاب های درسی با سطح مخاطبان و دانش آموزان تناسب ندارد. بدین منظور پیشنهاد می شود متولیان آموزش و پرورش و برنامه ریزان آموزشی مؤلفه های تأثیرگذار شناسایی شده در این تحقیق را مد نظر قرار داده و با ایجاد دوره و کلاس های آموزشی ضمن خدمت دبیران و کارکنان مدارس را با مفهوم برنامه درسی پنهان آشنا سازند. علاوه براین، با توجه به تأثیر ساختار و امکانات فیزیکی و تسهیلات مدارس در نگرش شاگردان نسبت به آموزشگاه با فراهم آوردن محیط فیزیکی غنی از جمله نور و حرارت کافی در کلاس های درس و ایجاد فضای سبز در محیط مدرسه باعث افزایش علاقه و نگرش مثبت عاطفی شاگردان شده و از آثار و تبعات منفی برنامه درسی پنهان جلوگیری شود. مسئولین و متولیان مدارس به منظور کاهش آثار و تبعات منفی برنامه درسی پنهان باید در طراحی برنامه های درسی و آموزشی به ویژگی های روانشناختی شاگردان و تفاوت فردی و همچنین نیازهای روانشناختی آنان اهتمام ورزند. در ابعاد جامعه شناختی به منظور استحکام ارتباط مؤثر

اولیاء و مدرسه باید آنان را به مشارکت فعال در مراحل تعلیم و تربیت فرزندانشان تشویق و ترغیب نمود. حضور و نقش والدین به عنوان یک همیار در کنار مدرسه موجب ایجاد نگرش‌های مثبت عاطفی در فرزندان شده که باعث افزایش پیشرفت تحصیلی آنان و به تبع آن کاهش اثرات سوء و تبعات منفی برنامه درسی پنهان خواهیم بود.

فهرست منابع فارسی

- امینی، محمد، مهدی زاده، مریم، ماشالهی نژاد، زهرا، علیزاده مرضیه (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین مولفه‌های برنامه درسی پنهان و روحیه علمی دانشجویان. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۱۷ (۴)، ۱۰۳-۸۱.
- ایزدی، صمد؛ شارع‌پور، محمود و قربانی، راضیه (۱۳۸۵)، بررسی نقش برنامه درسی پنهان در ایجاد نگرش به اقتدار، تقویت هویت ملی و جهانی شدن (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مدارس متوسطه). *مطالعات ملی*، ۳۹ (۳)، ۱۳۶-۱۰۹.
- بازرگان، عباس (۱۳۹۴)، مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری، تهران: نشر دیدار، چاپ هفتم.
- پرهیزگار، لیلیا؛ فتحی و اجارگاه، کورش (۱۳۹۷)، ادراک معلمان از برنامه درسی پنهان آموزش محیط زیست در مدارس متوسطه شهر تهران. رویکرد پدیدارشناسی، *فصلنامه علمی، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی*، ۶ (۱)، ۹۲-۱۰۲.
- جانعلی زاده، حیدر؛ شارع‌پور، محمود و کاشفی راد، رضا (۱۳۹۱)، بررسی نقش برنامه درسی پنهان بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان. *فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۳ (۸)، ۵۹-۸۲.
- خنیفر، حسین؛ نادری بنی، ناهید؛ ابراهیمی، صلاح‌الدین؛ فیاضی، مرجان و رحمتی، محمد حسین (۱۳۹۹)، مدیران مدارس: شایستگی، دانش، توانایی و مهارت‌ها و ارائه مدل. *دوماهنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۱۱ (۴۵)، ۳۰-۱.
- غلیخان، محمد حسین؛ مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۴)، بررسی پیامدهای قصدنشده برنامه درسی پنهان محیط اجتماعی مدارس دوره متوسط شهر اصفهان، رساله دکتری. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

مطالعه تأثیر مؤلفه های برنامه درسی پنهان بر... نویسنده اول: یعقوب رئیسی آهوان

- فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۹۹)، اصول و مفاهیم اساسی برنامه ریزی درسی، تهران: انتشارات علم استادان.
- فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۹۹)، هویت های جدید برنامه درسی: شرحی بر نظریه های استادان برنامه درسی در دوران کلاسیک، نوفهم گرایی و پسا نوفهم گرایی جلد اول انتشارات آبیژ
- قورچیان، نادرقلی (۱۳۷۸)، تحلیلی از برنامه درسی مستتر، بحثی نو در ابعاد ناشناخته نظام آموزشی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱ (۱)، ۴۸-۶۸.
- سازگار، زینب؛ اشرف، حمید و مطلب زاده، خلیل (۱۳۹۹)، بررسی دیدگاه مدرسان زبان انگلیسی نسبت به یادگیری های قصدنشده (برنامه درسی پنهان) در مؤسسات آموزش زبان انگلیسی، *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۳ (۳)، ۳۳-۶۹.
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۴)، ویژگی های آدمی و یادگیری آموزشی. مرکز نشر دانشگاهی. تهران. چاپ دوم.
- شکاری، عباس؛ رحیمی، حمید و غربا، مبین (۱۳۹۳)، آسیب شناسی تربیت اخلاقی از منظر برنامه درسی پنهان (مورد پژوهشی دانشگاه کاشان). *فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی*، ۴ (۳)، ۱۷۸-۲۰۷.
- طالبی، ابوتراب و شریفی، حسین (۱۳۹۴)، برنامه درسی پنهان در زندگی دانش آموزی: مقاومت همراه با تابعیت. *فصلنامه فرهنگ رسانه هنر*، ۴ (۱۷)، ۵۷-۷۹.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۳). برنامه درسی: نظرگاه ها، رویکردها، چشم اندازها. مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ویراست دوم، چاپ هفتم.
- نوروز زاده، رضا (۱۳۸۵)، برنامه درسی پنهان در نظام آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۳.
- نوروزی، رضا علی، جنت فریدونی، طیبه، مشاکلاویه، مریم (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین مولفه های برنامه درسی پنهان و هویت ملی. *فصلنامه پژوهش در برنامه درسی*، ۱۱ (۱۵)، ۱۱۰-۱۲۱.
- هاشمی، سید احمد و خدابخشی صادق آبادی، فاطمه (۱۳۹۶)، برنامه درسی پنهان و نقش آن در مدارس، *مجله ی شرفت های نوین در علوم رفتاری*، ۲ (۸)، ۲۸-۴۲.

ب: فهرست منابع انگلیسی

- Ausbrooks, A. (2010). Perceptions of violence: A youthful perspective. *School Social Work*.
- Avci, S. Yuksel, A. Soyer, M. &Balikcioglu, S. (2009). The cognitive and affective changes caused by the differentiated classroom environment designed for the subject of poetry. <http://www.eric.ed.gov>.
- Barthes, A. (2018). The Hidden curriculum of sustainable development: the case of curriculum analysis in France. *Journal of Sustainability Education*, 18. (hal-01788266)
- Bentham, S. (2006). *Psychology and education*, East Sussex, UK: Routledge Moduar.
- Blazar, D. & Kraft, M. A. (2017). Teacher and Teaching Effects on Students' Attitudes and Behaviors. *Educational evaluation and policy analysis*, 39(1), 146-170. <https://doi.org/10.3102/0162373716670260>
- Bloom, B. S. (1982). *Human characteristics and school learning*, New York: McGraw-Hill.
- Bombi, A.S. Cannoni, E. &Galli, F. (2020). The relationship between teachers and students: Children's pictorial representation and teacher's evaluation. *Current Psychology*. <https://doi.org/10.1007/s12144-020-00702-7>
- Bourke, S. F. & Anderson, L. W. (2013). *Assessing Affective Characteristics in the Schools*. United States: Taylor & Francis.
- Bronfenbrenner, U. (2000). *Ecological Theory*. Oxford University Press.
- Clinton, V. & Khan, S. (2019). Efficacy of open textbook adoption on learning performance and course withdrawal rates: a meta-analysis. *AERA Open* 5, 1-20 <https://doi.org/10.1177/2332858419872212>.
- Cooper, L. Frantzfy, K. (2020). The Relationship between Classroom Environment and Student Course Attrition and Perceptions of Engagement. *Journal of Learning Spaces*, [S.l.], v. 9, n. 2, Available at: <<http://libjournal.uncg.edu/jls/article/view/1978>>.

- Denessen, E.K. van den Bergh, L. & van den Broek, P. (2020). "Do Teachers Treat Their Students Differently? An Observational Study on Teacher-Student Interactions as a Function of Teacher Expectations and Student Achievement", *Education Research International*, Article ID 2471956. <https://doi.org/10.1155/2020/>
- Eisner, E. W. (2002). *Cognition and curriculum reconsidered* (2nd ed.). New York: Teachers College Press.
- Giroux, H. (1983). "The Hidden Curriculum and Moral Education". Mccutchan Publishing Corporation.
- Harackiewicz, J. M., Smith, J. L., & Priniski, S. J. (2016). Interest Matters: The Importance of Promoting Interest in Education. *Policy insights from the behavioral and brain sciences*, 3(2), 220–227. <https://doi.org/10.1177/2372732216655542>
- Huang, YC., Backman, S.J., Backman, K.F. (2019). An investigation of motivation and experience in virtual learning environments: a self-determination theory. *Educ Inf Technol* 24, 591–611. <https://doi.org/10.1007/s10639-018-9784-5>
- Horn, R. A. (2003) Developing a Critical Awareness of the Hidden Curriculum through Media Literacy, *The Clearing House: A Journal of Educational Strategies, Issues and Ideas*, 76:6, 298-300, DOI: 10.1080/00098650309602024
- Ian, A. (2009). Is practical work really motivated? A study of the affective value of practical work in Secondary school. *International Journal of science education*, 31(17).
- Ludwig, B., Turk, B., Seitz, T. et al. (2018). The search for attitude a hidden curriculum assessment from a central European perspective. *Wien Klin Wochenschr* 130, 134–140 DOI :<https://doi.org/10.1007/s00508-018-1312-5>
- Mackin, R., Baptiste, S., Niec, A., & Kam, A. J. (2019). The Hidden Curriculum: A Good Thing? *Cureus*, 11(12), e6305. <https://doi.org/10.7759/cureus.630>
- Mulder, H. Braak, E. Chen, HC. ten Cate, O. (2019) Addressing the hidden curriculum in the clinical workplace: A practical tool for trainees and faculty, *Medical Teacher*, 41:1, 36-43 DOI: 10.1080/0142159X.2018.1436760

- Nudelman, G. (2020) The hidden curriculum in two employability skills development in a South African electrical engineering degree program, *Journal of Education and Work*, 33-56, 360374, DOI: 10.1080/13639080.2020.1820962
- Piaget, J. (1973). *To understand is to invent: The future of education*. New York: Grossman.
- Ritchie, S. Clifford, R. M. & Crawford, G. M. (2009). *First School learning environments: Issues in PreK-3rd Education (#3)*. Chapel Hill: The University of North Carolina, FPG Child Development Institute, First School.
- Rogers, E. Hart, WB. & Mike, Y. (2002) Edward T. Hall and the history of intercultural communication: The United States and Japan. *Keio Communication Review* 24: 3-26.
- Rogers, K. (2020). The Effects of Classroom Seating Layouts on Participation and Performance in a Fourth Grade Classroom. *Journal of Learning Spaces*, [S.l.], v. 9, n. 1, <http://libjournal.uncg.edu/>
- Santrock, J. W. (2008). *Educational psychology*. (3rd ed). New York: McGraw-Hill
- Shinabe, N. (2018). *Revealing a hidden curriculum in educational discourses: A study of therepresentation of Europe and Asia in Spanish and Japanese school textbooks*. *Discourse & Society*.
- Smith, A. and Montgomery, A. (2008). *Values and hidden curriculum*. <http://Cain web Service>.
- Talbert, E. (2017). *Student-centered instruction and its effects on mathematics engagement by race*. Undergraduate Thesis, University of Pittsburgh.
- Tan, F.D.H. Whipp, P.R., Gagné, M. et al (2019). Students' perception of teachers' two-way feedback interactions that impact learning. *Social Psychology of Education* 22, 169–187. DOI <https://doi.org/10.1007/s11218-018-9473-7>
- Townsend, B. K. (1995). *Is there a hidden curriculum in higher education doctoral Programs? Presentation for the Association for the Study of Higher Education, Orlando, FL* (ERIC Document Reproduction Service No. ED460663). [Google Scholar]

- Usman, Y.D. (2020). Assessment of the impact of computer assisted instruction on teaching and learning in Nigeria: A theoretical viewpoint. *International Journal of Education and Development using Information and Communication Technology (IJEDICT)*, Vol. 16(2), 259-271.

- Vallance, E. (1991). *Hidden Curriculum*. The International Encyclopedia of Curriculum. (Ed). A.Lewy. (Ed). Pergamon press. England.

- Van Den Beemt, A. Thurlings, S. & Myrthe, W. (2020) Towards an understanding of social media use in the classroom: a literature review. *Technology, Pedagogy and Education*, 29:1, 35-55 DOI: 10.1080/1475939X.2019.1695657

- Young, K. Young, C. & Beyer, A. (2017). Does the classroom matter? How the physical affects learning in introductory undergraduate science courses. *Journal of College Science Teaching*, 46(6), 80-87. 3 (2): 77-101.

- Yu-Chih S. & Fang-Ying, Y. (2015). I help, therefore, I learn: service learning on Web 2.0 an EFL speaking class, *Computer Assisted Language Learning*, 28:3, 202219, DOI: 10.1080/09588221.2013.818555

- Wanzer, D. Postlewaite, E. & Zargarpour, N. (2019). Relationships among Noncognitive Factors and Academic Performance: Testing the University of Chicago Consortium on school Research Model. AERA Open. <https://doi.org/10.1177/2332858419897275>

دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه‌درسی، شماره ۱۷، سال نهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰